

آیا مرگ ملک عبدالله با ظهور رابطه دارد؟

۴ بهمن ۱۳۹۳ ساعت ۱۸:۱۳

با مرگ پادشاه عربستان، مطلبی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود که مرگ «عبدالله» یکی از نشانه‌های نزدیکی ظهور است. اما این روایات تا چه حد صحیح هستند؟

بامداد جمعه سوم بهمن ماه «عبدالله بن عبدالعزیز» شاه عربستان سعودی پس از سال‌ها بیماری سرانجام در ۹۱ سالگی درگذشت.

با مرگ وی، روایاتی در فضای موبایلی و شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و نوید نزدیکی ظهور را می‌دهد، از جمله اینک:

۱- ابوبصیر روایت می‌کند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) می‌فرمود: هر کس مردن عبدالله را برای من ضمانت کند، من هم آمدن قائم را برای او ضمانت می‌کنم، بعد از آنکه عبدالله مرد، دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی‌کنند و این امر به خواست خدا به صاحب شما منتهی می‌شود و بعد از آن سلطنت سال‌ها از بین می‌رود و به سلطنت ماه‌ها و روزها تبدیل می‌شود، عرض کردم: آیا آن زمان طول می‌کشد؟ فرمود: نه! (الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۴۷)

۲- رسول خدا(ص) فرمود: بر حجاز (عربستان) مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی در چشمش انحراف (چپی) می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او! پس این جمله را سه بار تکرار کرد، بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم.

اولین منبع نقل این روایت، کتاب «۲۵۰ علامه حتی ظهور الامام المهدي(ع)»، اثر محمدعلی طباطبایی حسنی است. این فرد خود را به صورت خود خوانده علامه معرفی می‌کند و مبلغینی از احمد، جهت انحراف ذهن مخاطبان از او با عنوان علامه طباطبایی نام می‌برند تا گمان شود نویسنده کتاب، علامه طباطبایی(ره) صاحب تفسیر المیزان است!

با مراجعه به کتاب مسند احمد بن حنبل و سایر متون روایی شیعه و سنی روشن می‌شود که این روایت وجود خارجی نداشته و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است، جالب اینکه نویسنده کتاب «۲۵۰ علامت»، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی

ندیده است و در استناد آن به مسند احمد و رسول خدا(ص) چنین می‌گوید: «هذ الخبر نقله إلى أحد الفضلاء المطلعين»، این خبر را یکی از فضلاء مطلع برای من نقل کرده است!

درباره روایت نخست نیز باید دقت داشت نخستین و تنها مصدر نقل این روایت کتاب غیبت شیخ طوسی است و تمامی منابع بعدی از ایشان نقل کرده‌اند، پس، از مفردات شیخ طوسی است و مفردات شیخ طوسی محل تأمل است.

همچنین باید توجه کرد روایت مذکور هیچ دلالتی بر کشور حجاز و عربستان ندارد و علامه کورانی به صورت استنباط شخصی این نکته را به روایت نسبت داده است که نمی‌توان سخن وی را پذیرفت. این روایت مشخص نمی‌کند که مراد از عبدالله کیست، چه بسا صد سال دیگر پادشاهی از خاندان آل سعود به نام عبدالله در آن سرزمین به مسند قدرت بنشیند و منظور از این روایت، او باشد.

مهم‌تر اینکه علی بن یوسف بن المطهر حلی (برادر علامه حلی و متوفای ۷۰۳ هجری) در کتاب خود مراد از این عبدالله را آخرین پادشاه بنی العباس (عبدالله المستعصم، ۶۵۶ ق) می‌داند و واقعه‌ای است که رخ داده است. (ر.ک. العدد القویة، ص ۷۸)

از سوی دیگر حجت الاسلام محمدرضا شهبازیان (کارشناس مهدویت) در فارس نوشت: چندی قبل به مناسبت نقد یکی از فرقه‌ها و استدلال یکی از سخنرانان در محیطی دانشگاهی و تعدادی سایت در بحث نشانه‌های ظهور، به روایتی با این متن اشاره کردم و آن را جعلی و ساختگی معرفی کردم، روایت این است:

«عن مسند احمد عن النبي(صلى الله عليه وآله): يحكم الحجاز رجل اسمه علي اسم حيوان اذا رايت حجة في عينه الحول من البعيد و اذا اقتربت منه لا ترى في عينه شيئاً، يخلفه له أخ اسمه عبدالله، ويل لشيئتنا منه -أعاده ثلاثاً- بشروني بموته أشرکم بظهور الحجة» (۱)

رسول خدا(ص) فرمود: بر حجاز (عربستان) مردی که اسمش، اسم حیوان است، حکومت می‌کند (فهد=یوزپلنگ)، اگر از دور به او نگاه کنی در چشمش انحراف (چپ) می‌بینی، ولی اگر به او نزدیک شوی، در چشمش مشکلی نمی‌بینی، جانشین یا خلیفه‌اش برادرش که اسمش عبدالله است خواهد بود، وای بر شیعه ما از دست او! پس این جمله را سه بار تکرار کرد، بشارت مرگش را به من بدهید شما را به ظهور حجت بشارت می‌دهم.

در نقد آن چنین گفته و نوشته‌ام:

اولین منبع نقل این روایت، کتاب «۲۵۰ علامه حتی ظهور الامام المهدي(ع)»، اثر محمدعلی طباطبایی حسنی است و نگارنده نیز در منبع دیگر بدان برخورد نکرده. (۲)

با مراجعه به کتاب مسند احمد بن حنبل و سایر متون روایی شیعه و سنی روشن می‌شود که این روایت وجود خارجی نداشته و تا کنون کسی آن را ذکر نکرده است، جالب اینکه نویسنده کتاب «۲۵۰ علامت»، خود نیز این روایت را در هیچ منبع حدیثی ندیده است و در استناد آن به مسند احمد و رسول خدا(ص) چنین می‌گوید: «هذ الخبر نقله إلى أحد الفضلاء المطلعين» (۳)، این خبر را یکی از فضلاء مطلع!!! برای من نقل کرده است.

پس از نقل این مطلب تعدادی از دوستان دانشگاهی تماس گرفته‌اند که آدرس این حدیث را پیدا کرده‌ایم و جعلی نیست!!!

در توضیح این اشتباه عزیزان نکاتی را عرض کردم، اما لازم دیدم تا مجدد تذکر دهم.

قبل از نقد آن به متن روایت دقت کنید:

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ يَضْمَنُ لِي مَوْتَ عَبْدِ اللَّهِ أَضْمَنَ لَهُ الْقَائِمَ ثُمَّ قَالَ إِذَا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ لَمْ يَجْتَمِعِ النَّاسُ بَعْدَهُ عَلَى أَحَدٍ وَ لَمْ يَتَنَاهَ هَذَا الْأَمْرُ دُونَ صَاحِبِكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ يَذْهَبُ مُلْكُ السِّنِّينَ وَ يَصِيرُ مُلْكُ الشُّهُورِ وَ الْأَيَّامِ فَقُلْتُ يَطُولُ ذَلِكَ قَالَ كَلَّا»

ابوبصیر روایت می‌کند که گفت: شنیدم حضرت صادق(ع) می‌فرمود: هر کس مردن عبدالله را برای من ضمانت کند، من هم آمدن قائم را برای او ضمانت می‌کنم، بعد از آنکه عبدالله مرد، دیگر مردم بر سر کسی اجتماع نمی‌کنند و این امر به خواست خدا به صاحب شما منتهی می‌شود و بعد از آن سلطنت سال‌ها از بین می‌رود و به سلطنت ماه‌ها و روزها تبدیل می‌شود، عرض کردم: آیا آن زمان طول می‌کشد؟ فرمود: نه! (الغیبه، شیخ طوسی، ص ۴۴۷)

نکاتی در مورد این روایت:

۱. این روایت هیچ ارتباطی با آنچه بنده نقد کرده‌ام ندارد و محتوای دو روایت مشابه نیست.

۲. اولین و تنها مصدر نقل این روایت کتاب غیبت شیخ طوسی است و تمامی منابع بعدی از ایشان نقل کرده‌اند، پس از منفردات شیخ طوسی است و منفردات شیخ طوسی محل تأمل است.

۳. این روایت هیچ دلالتی بر کشور حجاز و عربستان ندارد و آیت‌الله کورانی به صورت استنباط شخصی این نکته را به روایت نسبت داده‌اند که نمی‌توان سخن ایشان را پذیرفت.

۴. این روایت مشخص نمی‌کند که مراد از عبدالله کیست و حداقل در زمان ما می‌تواند به پادشاه عربستان و اردن تطبیق یابد و الزامی در تطبیق آن به پادشاه عربستان نیست.

۵. علی بن یوسف بن المطهر حلی -برادر علامه حلی و متوفای ۷۰۳ هـ - در کتاب خود مراد از این عبدالله را آخرین پادشاه بنی العباس(عبدالله المستعصم-۶۵۶ ق-) می‌داند و واقعه‌ای است که رخ داده است(ر.ک. العدد القویة، ص ۷۸)

*پی‌نوشت‌ها:

۱. مائتان و خمسون علامه حتی ظهور، ص ۱۳۷

۲. این فرد خود را به صورت خود خوانده علامه معرفی می‌کند و مبلغینی از احمد، جهت انحراف ذهن مخاطبان از او با عنوان علامه طباطبایی نام می‌برند تا گمان شود نویسنده کتاب، علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان است!

منبع: افکار نیوز

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۹۳۸۲/آیا-مرگ-ملک-عبدالله-ظهور-رابطه-ظهور-عبدالله-ملک-مرگ-آیا-۲۹۳۸۲>